

# تصمیمات محاکم

## تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد قرار عدم صلاحیت محکمه بدایت راجع بدهوی مطالبه وفاء بعهده

در صورتیکه اصل تعهد مورد اختلاف باشد

و تخایه بد و خسارات قانونی تقاضی نموده و مطابق فقره ۷ از ماده ۸ قانون اصول محاکمات حقوقی مطالبه ایفاء تعهد از محکمه صلاحیه باید بعمل آید و محکمه بدایت هم طبق ماده ۵ تسریع مکلف بوده چون مورد از موارد صلاحیت ذاتی است از رسیدگی امتناع نماید بنابر این حکم مستأنف عنه فسخ و مدعی میتواند برای مطالبه ایفاء تعهد رجوع بمحکمه صلاحیه نماید

محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۱) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۴۳۶۸ ر ۱۹۹۷ به تاریخ ۱۶/۹/۹۹ چنین رای داده است :

(چون اوراق پیرونده و لایحه مورخه ۲۰/۷/۱۳ مستدعی علیه تقدیمی بمحکمه بدایت حکایت دارد که منشأ اختلاف از حجاب دعوی در باب صحت تعهد و لزوم وفاء شرط و عدم آزاد آن موضوع همان نزاع در صحت معامله، توموبیل و بطلان معامله، بز بوره میباشد که مدعی بجهاتی که در اوراق پیرونده مذکور است منکر صحت معامله و اشتغال فیه خود بوده و تسلیم اتوموبیل و اذنبه آن را نیز تکذیب کرده و اوراتی برای اثبات این امر تقدیم داشته است و با اینحال رسیدگی بدعوی بلحاظ مقدار مدعی به داخل در صلاحیت محکمه ابتدائی و خارج از صلاحیت محکمه صلح میباشد بنابراین قرار مورد استثناء تمیز نقض میگردد و پیرونده بمحکمه استیفاء ارجاع میگردد تا در باب ماهیت دعوی اظهار عقیده و نظر نماید)

بموجب شق (۷) از ماده (۸) قانون اصول محاکمات حقوقی - مطالبه وفاء بشرط و تعهد ضمن ماالات از صلاحیت ذاتی محاکم صلح است .

بموجب ماده ۵ قانون تسریع - در مورد صلاحیت ذاتی محکمه نیز مکلف است قاطع نظر از ایراد اصحاب دعوی از رسیدگی امتناع نکند .

کسی بمدعی به یازده هزار ریال و دو بیست و پنججاه ریال و الزام به تعهد انتقال ملک بر کسی قائم دعوی کرده مفاد تعهد آنکه مدعی علیه در برابر یک دستگاه اتوموبیل مقوم بیازده هزار ریال و دو بیست و پنججاه ریال متعهد شد که مقداری ملک معین را بمدعی انتقال دهد و از محکمه درخواست الزام باعمال تعهد و بعبارة اخیری تخلیفه بدان ملک مزبور و انتقال بمدعی کرده است - محکمه بدایت مدعی علیه را بپرداخت مبلغ مدعی بابت قیمت یک دستگاه اتوموبیل محکوم کرده است که طبق تعهد از ملک مزبور معادل مبلغ دین مذکور بمدعی واگذار کند محکوم علیه استیناف داده - محکمه پس از رسیدگی چنین رای داده است : (چون وکیل مدعی بشرح عرض حال تقدیمی بمحکمه بدایت اظهار داشته که بموجب مدرک منظمه مدعی علیه تعهد نموده که در برابر قیمت یک دستگاه ماشین شورت که معادل یازده هزار و دو بیست و پنججاه ریال است ۲ حبه از جمله ۳ حبه ورع ملک را انتقال بموکل بنده دهد و صدور حکم بر الزام باعمال تعهد منسز بوز

## تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه محکمه کشف تفاله تریاک را با احتمال اینکه

ممکن است از تریاک باندرل دار تحصیل شده باشد جرم نداند

بملاحظ اینککه حکم محکمه جنحه و قرار مستنطق برخلاف ماده (۱) قانون مجازات ارتکب قاجاق و مخالف اصول کلیه محاکمات ز جهت عدم تشخیص موضوع دعوی صادر شده تقاضای نقض حکم مزبور نموده

دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۰۳۱۲/۱۹۰۵ بتاريخ ۲۳ ر ۸ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

(تهام متعصب به متهم ارتکب قاجاق شیره مطبوخ است بقریبه کشف هشت مثقال تفاله شیره از مشارالیه و با مسلمیت اینکه تفاله شیره حاصل نمیشود مگر از شیره مطبوخ که خود از منتهقات تریاک بشمار میرود و قاجاق مستقلی است دیگر اظهار عقیده باینکه چون قاجاق بودن صل تریاک ثابت ننیده سوخته حاصل از آنرا نمیتوان قاجاق دانست موردی نداشته و میرساند که قائم مقام مستنطق و محکمه جنحه موضوع دعوی را تشخیص نداده و مبادرت بصدور قرار و حکم نموده است بنا براین حکم ممیزانه برحلاف قانون صادر شده با استناد ب ماده ۴۶۴ و ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض بلا ارجاع میشود این نقض اثری برای هیچیک از طرفین دعوی ندارد و فقط بقرض حفظ قانون است)

بموجب ماده (۱) قانون مجازات ارتکب قاجاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ هر کس در مورد مالی که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن مرتکب قاجاق شود . . . علاوه بر رد مال یا قیمت آن بپرداخت دو برابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده و بحبس تأدیبی از ۳ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

کسی با اتهام قاجاق يك مثقال تریاک و هشت مثقال تفاله سوخته تریاک مورد تعقیب اداره مالیه واقع و مطابقه جرمه قانونی از او شده و چون از پرداخت آن استنکاف کرده اداره مالیه از مستنطق تقاضای صدور قرار توقیف او را نموده - مستنطق راجع بقاجاق تریاک قرار توقیف او را تا پنج روز صادر میکند و نسبت بقاجاق تفاله شیره تریاک با استناد اینکه چون از متهم شیره پخته کشف نشده و صرف کشف تفاله دلالت بر اینکه تفاله مزبور از تریاک قاجاق تحصیل شده باشد ندارد و ممکن است تفاله کشف شده محصول تریاک باندرل دار باشد قرار رد تقاضای توقیف را صادر مینماید - و قرار مزبور در محکمه جنحه تأیید می شود .

جناب آقای مدعی العموم تمیز بنام حفظ قانون به استناد ماده ۴۶۴ و ماده ۴۶۵ اصول محاکمات جزائی

## تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه محکمه جزا تنها بصرف اقرار متهم

در مرحله تحقیقات مقدماتی حکم داده

مو کور به شماره مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی برای دادن اجازه همین نماید - هر خارجی که بدون اجازه مذکور زن ایرانی را ازدواج کند بحبس تأدیبی

بموجب ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب مرداد ۱۳۱۰ - ازدواج مسلم با غیر مسلم ممنوع است و ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در موارد هم که مانع قانونی ندارد

از يك سال تا سه سال محكوم میشود .  
 کسی که تبه خارج بوده به اتهام ازدواج بازن  
 ایرانی بدون اجازه از مقامات مربوطه مورد تعقیب پارک  
 بدایت واقع و در محکمه جنحه با استناد ماده ۱۷ قانون  
 ازدواج ۴۵ قانون مجازات متهم را بشت ماه حبس تادیبی  
 محکوم کرده - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف  
 خواسته محکمه استیناف حکم مزبور را تأیید کرده است  
 محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی  
 تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۱۸۷۵ ر ۱۰۲۶ بتاریخ  
 ۱۸/۸/۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است .  
 « هر چند از طرف درخواست کننده تمیز اعتراض  
 موجهی نشده و اظهارات او در لایحه تمیزی دائر به الخوردگی  
 و بیچارگی و غیره چون اعتراض قانونی محسوب نمیشود اصولاً  
 قابل اعمال نظر تمیزی نیست لیکن از جهت بیگراشکال موثر  
 موجب نقض بر حکم مورد درخواست و ارداست زیرا محکمه  
 بدوی و استینافی در حکم خود دائر به محکومیت متهم  
 فقط بصورت اقرار از او در مرحله تحقیقات مقدماتی مبنی  
 بر وقوع عقد ازدواج بین مشار الیه و ۰۰۰۰ استناد جسته  
 و از ظاهر استناد مزبور و اینکه با وجود تکذیب اظهارات

شاکی از طرف اشخاصی که متهم آنها را مجری عقد ازدواج  
 معرفی کرده بود با اقرار مزبور استناد شده مستفاد  
 میشود که محکمه صرف اقرار را ( بدون اینکه در باب  
 صحت و اعتبار آن تحقیقاتی بعمل آورده و قرائنی در تأیید  
 آن در نظر گرفته باشد ) موجب تحقق علاقه و رابطه  
 زوجیت دانسته اعم از اینکه صحت آن در نظر محکمه مجری  
 و کانت از واقع باشد یا نباشد و حال آنکه اصولاً در امور  
 جزائی تنها اقرار متهم موضوعیت ندارد و فقط ممکن است  
 طریق علم و استنباط محکمه در تشخیص تقصیر متهم واقع شود  
 نه آنکه بطور کلی و قطع نظر از طریقت آن بر ضرر متهم دلیل  
 و حجت قانونی بشمار رود و بلکه در مقام حکم بار تکلیف فقط دلائل  
 و شواهد اقناع کننده حاکم مناط اعتبار خواهد بود جز  
 در مواردیکه قانون صراحة امر دیگری را دلیل قرار داده  
 باشد بنابراین حکم مورد درخواست از لحاظ سوء استدلال  
 محکمه مخدوش و مخالف اصول محسوب و بموجب ماده  
 ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی به اتفاق آراء نقض  
 میشود .»

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در موردیکه حکم تبرئه متهم مخالف با دلائل و قرائن قوی و محتویات پرونده باشد

کسی با اتهام کشتن زن خود و دفن پنهانی جسد  
 مورد تعقیب واقع و محکمه جنائی از لحاظ عدم احراز  
 جرم متهم را تبرئه نموده مدعی العموم استیناف تمیز خواسته  
 دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۲۳۰ ر ۱۹۱۹  
 بتاریخ ۲۳/۸/۱۶ پس از رسیدگی و شنیدن عقیده نماینده  
 مدعی العموم کل بدین شرح :  
 « هر چند اعتراض مدعی العموم استیناف در حقیقت  
 ایراد با استنباط و نظر هیئت حاکمه است و قابل رسیدگی  
 در مرحله تمیز نمیباشد لیکن نظر باینکه حکم مورد  
 درخواست برخلاف دلائل و قرائن قوی موجود در پرونده  
 امر میباشد حکم مزبور بشرح ذیل مخدوش بنظر میرسد

محکمه در رای خود مینویسد: [ گزارش آگاهی و قرار  
 مستظان و ادعای مدعی العموم بدایت مبنی بر حدسیات  
 و قرائن و نشانی ها است که در امثال مورد نمیتوان کسی  
 را مرتکب قتل عمدی دانست و دلیلی که مثبت جرم باشد  
 مشاهده نمیشود ) و حال آنکه دلائل و قرائن قوی در  
 پرونده کار بر مجرمیت متهم موجود است و قاضی تحقیق  
 و مدعی العموم در قرار و ادعا نامه خود بدانها اشاره  
 کرده اند از قبیل تحقق زخم در مقتول بوسیله میخ یا آلت  
 دیگر پس از نبش قبر و معاینه جسد با حضور پزشک و  
 مخالفت آن با اظهار متهم باینکه اسب لگد زده و اظهار  
 او باینکه د کتر معالجه کرده بصورتیکه پزشک نام برد فقط

باینکه از طرف نماینده پار که دیوان عالی تمیز در ضمن بیان عقیده و بشرح فوق طبق حق مقرر در ماده ۴۳۰ مکرر قانون اصول محاکمات جزائی و باستناد موجود بودن دلائل و نشانیهای بر ارتکاب متهم و مخالفت حکم تبرئه با محتویات پرونده نقض حکم محکمه جنائی درخواست شده و با ملاحظه دلائل و نشانیهای مذکور در قرار مستنطق و تقاضای نامہ مدعی العموم بدایت هیئت شعبه دیوان تمیز بالذنبیجه بانظر پار که موافقت دارد لذا بموجب ماده مزبور حکم محکمه جنائی دائر به تبرئه متهم بانفای آراء نقض میشود.

جواز دفن داده است و سوابق سوء متهم بامقتول و دفن مخفیانه جسد و تهیه جواز دفن بطور ساحتگی و غیره بنا بر این طبق ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی درخواست نقض حکم مزبور میشود، چنین رای داده است ( هر چند اعتراضات مدعی العموم استیناف دائر باینکه دلائل موجوده برای ثبوت ارتکاب متهم کافی بوده و محکمه آن دلائل را غیر کافی تشخیص و حکم برائت صادر کرده چون راجع بماهیت دعوی و ایراد بنظر و استنباط محکمه حاکمه است در کافی ندانستن دلائل اصولاً قابل اعمال نظر تمیزی نخواهد بود لیکن نظر

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر ابرام

#### در مورد خراب کردن در و پنجره در دیوار مشترک

(اعتراض مدعی العموم استیناف خلاصه اینست که استدلال محکمه باینکه شاکی حق باز کردن در پنجره در دیوار فاصل بین دو خانه را نداشته بیمورد و رسیدگی باین قسمت از وظایف محکمه حقوق است نه محکمه جزا و بر فرض اینکه شاکی حق باز کردن در پنجره را نداشته متهم نیایستی بدون صدور حکم از محاکم حقوقی و اثبات حقانیت خود مبادرت بخراب کردن آن بنماید و عمل مشارالیه منطبق با ماده استنادی و حکم قابل نقض است که اعتراض مزبور بحکم ممیز عنده غیر وارد است چه آنکه این اندازه رسیدگی را در محاکم جزا به ادله و اسناد طرفین برای کشف حقیقت امر نمیتوان اقدام خارج از وظیفه قنونی تلقی نمود و با احراز عدم سوءنیت متهم در اقدام به تخریب در پنجره در نظر محکمه بلاخط باینکه شاکی خصوصی را بموجب قباله که ارائه شده ذی حق در باز کردن آن نمیدانسته و جهات دیگر که در رای محکمه تصریح شده انطباق عمل او بر ماده استنادی مدعی العموم و تمقیب امر از نظر جزائی بودن خالی از اشکال نمیباشد و چون از سایر جهات رسیدگی نیز ایراد مؤثری از پرونده عمل مشهود نگردید حکم مزبور باتفاق آراء مبرم است.)

بموجب ماده ۲۵۷ قانون مجازات - هر کس هر نوع اشیاء منقول و غیر منقول را خراب کند یا بهر نحو کلا یا بعضاً تلف نماید در صورتیکه مال خود او نباشد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و بتادیبه غرامت از ده تا بیست تومان (از صد تا دو هزار ریال) محکوم خواهد شد.

کسی با اتهام خراب کردن در و پنجره دیگری بر حسب شکایت مدعی خصوصی مورد تمقیب پار که بدایت واقع و در محکمه پنجره در حدود ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی و بارایت تخفیف به چهل روز حبس قابل اکتیاع از قرار روزی پنجره در محکوم میشود.

در اثر شکایت استینافی محکمه استیناف بلاخط اظهار متهم باینکه دیوار پنجره در و پنجره در آن نسب بوده بموجب سند ثبتی با شاکی خصوصی مشترک بوده و حق باز کردن در و پنجره عمل او را مشمول ماده ۲۵۷ ندانسته و حکم پنجره را فسخ و متهم را تبرئه کرده - مدعی العموم از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۹۴۱۲ ر ۱۹۰۳ و تاریخ ۲۴ ر ۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

## تصمیم دیوان عالی تمیز برابر در مورد قبول تولیت متولیان منصوب از طرف حاکم شرع

اوقاف اداره می‌تود که قوید صحت عمل بدوی اداره اوقاف ( تصویب تولیت مستانف علیه ) و مخالف اقدام فعلی ( تقاضای رفع ید متولی که باین سمت شناخته شده است ) بنا بر مراتب مز بوره حکم مستانف عنه صحیحاً صادر شده و نتیجه تأیید می‌شود ( محکوم علیه تمیز خواسته شعبه (۱) دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۴۲۴۳/۱۹۱۶ بتاريخ ۲۳ - ۸ - ۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

( بر نظریه محکمه استیناف که رقبات موقوفه را مجهول التولیه ندانسته و بلحاظ تصویب اداره مز بوره تولیت و تصدی مستدعی تلیرا تصدیق و مورد را مشمول ماده (۱) از قانون اوقاف مصوب ۱۳۱۳ و تبصره ذیل آن قرار نداده و فرقی مابین متولی منصوص و یابین منصوب از قبل حاکم شرع نگذاشته اشکالی بنظر نمی‌رسد چه باینکه بر حسب وقفنامه تولیت مجتهد جامع الشرایط از طرف واقف منصوص بوده و مستدعی علیه هم از طرف او منصوب و اداره مز بوره هم آن را تصویب نموده موردی برای صدق عنوان مجهول التولیه نبوده تا اداره مز بوره با استناد آن مقیداً بقانون اوقاف حق اقامه دعوی داشته باشد علیهذا نظر باینکه اعتراضات مستدعی تمیز همان اظهاراتی است که در مراحل بدایت و استیناف نموده و مردود گردیده و در رسیدگی محکمه هم از حیث رعایت اصول و قوانین مخالفی که نقض حکم ترا ایجاب کند بنظر نمی‌رسد باتفاق آراء ابرام حکم مورد استدعای تمیز اعلام می‌شود )

بموجب ماده (۱) قانون اوقاف مصوب ۱۳۱۳ - اداره کردن موقوفات مجهول التولیه با وزارت معارف و اوقاف است و در صورتیکه متصدی داشته باشد ممکن است درست او ابقاء نماید.

و کیل اداره اوقاف بدعوی مجهول التولیه بودن موقوفه بر کسیکه بعنوان تولیت متصدی بوده اقدام دعوی کرده محکمه بدایت پس از رسیدگی اداره اوقاف را محکوم بی‌اطلاق دعوی می‌کند محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است : ( خلاصه اعتراضات و کیل اداره اوقاف بر حکم مستانف عنه دو جمله است اول آنکه مستانف علیه متولی مجهول واقف نیست دوم طبق ماده (۱) قانون مصوب ۱۳۱۳ و تبصره ذیل ماده (۱) اداره کردن موقوفات مجهول التولیه با اوقاف است - هیچک از اعتراضات مز بور وارد نیست چه اولاً اداره اوقاف ضمن مراسله مورخه ۱۵ بهمن ۱۳۰۸ صریحاً تولیت مستانف علیه را تصویب کرده و ماده ۱ و تبصره ذیل آن هم تولیت موقوفاتی را که متولی ندارد یا مجهول التولیه است با اداره اوقاف واگذار کرده و فرقی بین متولی مخصوص و تعیین شده از طرف حاکم شرع گذارده نشده و چنانکه تبصره ماده (۱) که مجهول التولیه را تعریف کرده می‌رساند که غرض مقنن حفظ موقوفاتی است که بواسطه ندانستن متولی یا متصدی مسلوب المنفعه شود و خود ماده هم ابقاء در ید متصدی را اجازه داده است و طبق ماده ۲ قانون مز بور موقوفاتی که متولی مخصوص دارد خواه منصوص باشد خواه غیر آن تحت نظر اداره

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد جرح منتهی فوت که از لحاظ اینکه جرح

علت مستقیم فوت نشده متهم تبرئه شده بوده

بموجب ماده ۱۷۱ قانون مجازات - مجازات ضرب و جرح عمدی که منتهی فوت مجنی علیه گردد بدون آنکه

مرتکب قصد کشتن او را داشته باشد حبس با اعمال شقه از سه تا ده سال خواهد بود و اگر آلت قتاله باشد مرتکب در حکم قاتل عمدی است .

قتابی با اتهام اینکه با کاربرد قصابی بیای قصاب دیگر زده که منتهی به فوت او گردیده تحت تعقیب محکمه جنائی واقع و از جهت عدم ثبوت اینکه فوت بر اثر ورود جراحت بوده بلکه عدم مواظبت در معالجه موجب فوت شده و مدعی خصوصی هم شکایت ننموده متهم را قاتل تعقیب جزائی ندانسته - حکم مزبور در دیوان تمیز نقض شده - محکمه جنائی دیگر نیز بهمان استدلال متهم را قابل تعقیب جزائی ندانسته - بر اثر درخواست تمیزی مدعی العموم - هیئت عمومی دیوان عالی تمیز به استناد اطلاق ماده ۱۷۱ و اعم بودن آن از اینکه جرح وارد علت مستقیم فوت باشد یا نه حکم ثانوی را نقض کرده - محکمه جنائی سوم چنین رأی داده ( ارتکاب

مهم بجرم انتسابی در نظر محکمه محرز شده و با فرض اینکه جرح مستقیماً موجب فوت نشده باشد عمل او را منطبق با ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی تشخیص و با توجه باینکه آلت جرح کاربرد قصابی قتاله بوده قسمت اخیر آن ماده را در نظر گرفته و بواسطه موجود بودن شل مخفیه به استناد ماده ۴۴ و ۱۹۲ آن قانون او را با دو درجه تخفیف سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم می نماید)

محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۵) در حکم شماره ۱۰۳۱۹ ار ۱۸۹۶ بتاريخ ۱۹ ار ۱۶ - چنین رأی داده است :

(از طرف مستدعی تمیز اعتراضی بحکم ممیز عنه نشده در جریان رسیدگی و رعایت اصول مقرره نیز ایراد مؤثری از پرونده عمل مشهود نگردید و حکم مزبور به اتفاق آراء بمرم است)

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

#### در مورد دعوی تفریط امانات با موجود بودن مقداری از آن

بموجب ماده ۶۱۴ قانون مدنی - امین ضامن تلف یا نقصان مالی که با او سپرده شده نمیباشد مگر در صورت تعدی یا تفریط .

کسی بمدعی به قیمت مقداری اشیاء امانتی بر کسی اقامه دعوی کرده و مطالبه قیمت آن اشیاء را کرده است - محکمه بدایت پس از صدور قرار تحقیقات و اجرای آن و مابینه اشیاء حکم بمحکومیت مدعی علیه به تسلیم اشیاء صادر کرده - محکوم علیه استیناف خواسته محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

در متن عرضحال بدوی بر خلاف ستون مدعی به قیمت اشیاء مطالبه شده و وکیل مدعی علیه نسبت بیکمی از دو مستند مدعی دعوی الحاق نموده و ارائه صورت مجلس اشعاری در مستند مزبور را نیز برای تعیین شدن اشیاء و علت و مناسبت و شرایط امانات خواسته و در مقام

دفاع از دعوی استناد بماده ۶۱۴ قانون مدنی نیز کرده و محکمه بدون احراز مدعی به مقصود مدعی و تحقیق در اینخصوص حکم نسبت باشیاء صادر کرده و به تقاضای وکیل مدعی علیه و مدافعه او ترتیب اثری نداده و توجیهی نکرده است لذا حکم مستأنف عنه بجهات فوق بخدوش بوده و فسخ میشود - و نظر بانکه بهر حال مدارک مدعی حاکی از امانت بودن اشیاء نزد مدعی شلیه میباشد و در عرضحال تصدیق با امانت بودن و حیث و میل اشیاء شده با اینحال بموجب ماده ۶۱۴ قانون مدنی وقتی مدعی علیه ضامن و مسئول میباشد که تعدی و تفریط در مال امانتی از او سرزده باشد که مدعی دلیلی بر اثبات این معنی ارائه ننموده بلکه یکی از مدارک او حاکی است که اشیاء توسط اجراء ثبت توقیف شده و مدعی علیه در اینخصوص اعتراض نموده و نیز ورقه اشعار دارد که بنا بوده خود

مدعی بجراعت ثابت مراجعه و اعتراض نموده و با دعوی مالکیت رفع توقیف اشیاء را مینماید بنا بجهت فوفی دعوی غیر ثابت و این حکم قابل تمیز است)

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خراسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۲۰۵۲/۱۴۲۲۸ در تاریخ ۱۵/۹/۱۶۹۹ چنین رای داده است :

(استناد محکمه استیناف در صدور حکم مورد شکایت بخلاصه اینکه چون مدعی با مانت و حیث و میل شدن آنها در عرض حال بدوی تصدق دارد موافق ماده ۶۱۴ قانون مدنی باید ثابت نماید که تعدی مستند بمدعی علیه است و برای این معنی دلیلی از طرف مدعی اقامه

نشده در این مورد صحیح نیست چه با اینکه برار سحت مدار کی که دلالت بر وجود اشیاء مدعی به دارد از طرف محکمه ابتدائی صادر و اعتراض بر قرار مزبور نشده است و همچنین بر حسب قرار معاینه محلی و صورت مجلس و اجراء قرار مزبور که برسیمه عضو علمی البدل تنظیم شده است و صورتیکه عضو مزبور از اشیاء موجوده تنظیم کرده و در پیونده بدوی موجود است قسمتی از اشیاء مورد مطالبه موجود بوده است و با وجود مقداری از اشیاء مورد نزاع تفریط غیر محقق و بطور کلی قضیه انطباق با ماده مستند بها نخواهد داشت بنا بر مراتب استدلال محکمه در مورد صحیح نخواهد بود و حکم مورد استدعاء تمیز منقوض است)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

راجع بقابل استیناف شناختن حکم بدایت در مورد دعوی مربوط به ثبت احوال

طبق ماده (۸) قانون ثبت احوال مصوب آذر ماه ۱۳۱۰ - رسیدگی باختلاف راجع به اسناد ثبت احوال در محکمه ابدائی و در صورت نبودن آن در محکمه صالح به ل میباید محاکم مزبور میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در این صورت ما مورث ثبت احوال رأی محکمه را در دفتر بایگانی و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی مزبور ورقه جدید صادر مینماید .

محکمه بدایت مدعی اصلاح ورقه ثبت احوال فرزند خود را محکوم به بیحقی نموده - محکوم علیه استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی بشرح ذیل رأی داده :

(اولا اجمع با ایراد نمایند ثبت احوال باینکه اختلافات اسناد سجلی فقط در مرحله بدوی قابل رسیدگی و احکام آن قطعی است و وارد نیست زیرا چون ورقه شناسنامه قبل از قانون مصوب مرداد ۱۳۰۷ صادر شده است و اداره آمار هم قبلا مطابق دستور ماده ۸ قانون مزبور مراجعه نشده است دعوی باقی است و مرجع دعاوی محاکم عمومی است مگر اینکه قانون مرجع خاصی تعیین کرده باشد -

بما بر این موضوع مشمول قانون مزبور نیست که مطابق تبصره ۲ ماده ۹ آن قانون بواسطه گذشتن موعد اعتراض سجل راجع بسن عرض حال استینافی قابل قبول نباشد و یا در مورد اختلاف دیگر اسناد سجلی احکام آن مطابق مقررات قانون مزبور قطعی باشد بنا بر این ایراد مزبور رد می شود - ثنیا در ماهیت دعوی نظر باینکه از مجموع وکدای شهادت شهود اقامه شده مستأنف که مورد اعتراض واقع نشده است و از تصدیق دکتر طبیب قانونی عدلیه و از قیافه و هیکل و صورت مکتوف مستفاد میشود که سن قلبی مشار الیه در همان حدود ۱۶ سال تمام داخل در ۱۷ سال میباشد و تاریخ تولد او هم در حدود ۱۲۹۹ خواهد بود و استلال محکمه بدوی هم در اصدار حکم به بیحقی مستانف که فقدرلیل و عدم اقامه شهود بوده است با اقامه شهود در مرحله استینافی دعوی نتیجه مندرک خواهد بود بنابراین حکم مستأنف منته معلون است فسخ میشود و مستأنف در دعوی اقامه شده دائر بر تقاضای تصحیح ورقه شناسنامه مزبور محقق است و سن و تاریخ تولد مشار الیه بر حسب مستفاد از دلائل اقامه شده در تاریخ ۱۲۹۹ شمسی است میبایست اداره آمار

و ثبت احوال ورقه مزبوره را مطابق مقررات ماده ۸ اصلاحی قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۰ تصحیح و اصلاح نماید - ) - محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۴) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۴۳۰۴/۱۸۵۱ تاریخ ۱۶.۸.۱۳ چنین رأی داده است :  
( چون مطابق مفاد ماده ۸ قانون اصلاح قانون سجل

احوال مصوب آذر ۱۳۱۰ حکمی که از محاکم ابتدایی و صلحیه در باب اختلاف راجع باسناد سجل احوال صادر میشود قطعی و غیرقابل استیناف است لذا قبول عرضحال استینافی و صدور حکم از محکمه استیناف صحیح نبوده و بموجب شق ۳ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی حکم مورد شکایت نقض میشود ۰۰۰ )

### تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

#### در مورد تبرئه متهم بتقاضای ثبت ملک بدون قید حق دیگران

بموجب ماده ۱۱۶ قانون ثبت - راهن مکتب است حق طرف را در ضمن تقاضای ثبت قید کند و در صورت عدم قید مرتهن میتواند تا یکسال از تاریخ انقضاء رهن بوسیله اظهار نامه رسمی حق خود را مطالبه کند هرگاه راهن در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه حق طرف را نداد کلاه بردار محسوب خواهد شد ... )

کسی بمنوان عدم تصدیق رهن ملک از طرف راهن ضمن تقاضای ثبت بر تقاضای مزبور دعوی جزئی باسناد ماده ۱۱۶ قانون ثبت اقامه کرده محکمه بدایت متهم را از جهت جرم انتسابی با رعایت تخفیف بیک ماه حبس تأدیبی و از جهت دعوی مدعی خصوصی پرداخت دین محکوم کرده است - مدعی العموم و متهم و مدعی خصوصی هر سه از جهت مربوط بخود استیناف خواسته - محکمه استیناف پس از رسیدگی نسبت بدعوی خصوصی حکم بدوی را تأیید کرده و نسبت بدعوی عمومی حکم مزبور را از لحاظ عدم احراز وقوع جرم قبح و متهم را تبرئه کرده است - محکوم علیهها تمیز خواسته اند - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۸۳۸/۱۰۲۰۴ تاریخ ۱۶.۸.۱۳ چنین رأی داده است :

( اعتراض مدعی العموم استیناف نتیجه آنکه حکم استینافی دائر به تبرئه متهم مخالف قانون صادر شده وارد است زیرا مبنای حکم مزبور بر جرم نبودن عمل انتسابی به متهم دو امر است یکی آنکه مشارالیه در قید

نمودن حق رهنی مرتهن نسبت به نیم داک از خانه مورد تقاضای ثبت و عدم پرداخت دین خود پس از مطالبه بوسیله اظهار نامه سوء نیتی نداشته و از لحاظ این بوده که خود را مدیون نمیدانسته است و دیگر آنکه چون جاهل بقانون بوده باین تکلیف ( قید حق رهنی طرف در تقاضا نامه ثبت ملک ) عمل نکرده است و هیچیک از این دو جهت نمیتواند موجب جرم نبودن عمل ارتكابی گردد زیرا اولاً ماده ۱۱۶ قانون ثبت اسناد ناظر به بقاء ملک در قید رهن میباشد که با مطالبه حق از طرف دائن بوسیله اظهار نامه و عدم اقدام مدیون بتأدیه دین یا تصدیق حق دائن جرم محقق میشود و در این مورد هم پس از رسیدگی باقی بودن مبلغی از وجه معامله رهنی بر ذمه متهم که مستلزم بقاء ملک در قید رهن است در نظر محکمه محرز گردیده و نائیباً جهل بقانون پس از انتشار و قابل اجراء بودن موجب معافیت مرتکبین جرائم از مجازات نخواهد بود و لذا حکم محکمه دائر بجرم ندانستن عمل متهم اعتقاداً بدلائل مذکوره مخالف اصول و قانون محسوب است .

و راجع بحق شخصی نیز حکم استینافی دائر بتأیید حکم محکمه جنحه به بیحقی مدعی خصوصی نسبت به قدری از مدعی به که مورد شکایت تمیزی واقع شده اساساً مخدوش است چه با وجود تبرئه متهم طبق نظر محکمه مطابق مستفاد از ماده ۱۳ اصول محاکمات جزائی در قسمت حق خصوصی هم محکمه استینافی میباشد

حکم محکمه جنحه را فسخ و از رسیدگی و صدور خودداری کرده باشد، اینک از حیث جنبه عمومی حکم تبرئه صادر و از جهت جنبه خصوصی حکم بدوی را تأیید

کند بنابراین حکم محکمه استیناف از حیث جنبه عمومی و خصوصی بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی نقض می شود ...)

### تصمیم دیوان عالی تمیز

#### در مورد اختلاف در صلاحیت محلی مستنطق

دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۲۴۲/۱۸۳۵/۱۶ تاریخ ۱۶/۸/۱۶ چنین رأی داده است:

(بر تقدیر اینکه تمام موجبات تعقیب جزائی مشتکی عنه طبق ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی در قضیه موجود و در قسمت ندادن نفقه اولاد هم سمت قسائونی شاکی محرز باشد چون عمل ادعائی از جرائم استمراری محسوب و بر فرض ثبوت مادام که در مقام تأدیه نفقه طبق مقررات ماده مزبوره بر نیامده مرتکب جرم شناخته می شود و فعلاً هم محل اقامت مشتکی عنه اصفهان میباشد لذا مستنطق عدلیه محل مزبور برای رسیدگی صالح تشخیص می گردد)

زنی از شوهر خود با اتهام ندادن نفقه او دو بچهایش و رفتن با اصفهان بهار که محل اقامت خود شکایت کرده مستنطق تهران با موافقت مدعی العموم مستنطق محل اقامت متهم را صالح دانسته و قرار عدم صلاحیت خود را داده و پرونده را نزد مستنطق محل اقامت متهم فرستاده است - مستنطق آنجا از نظر اینکه بر حسب شکایت زن متهم از دو سال قبل با او و دو بچهایش مخارج نداده و مدت اقامت متهم در اینجا ۷ ماه بیش نیست و معلوم میشود که شروع بجرم در تهران بوده و موقع شکایت زن مدتی از شروع جرم گذشته بوده خود را صالح ندانسته و قرار عدم صلاحیت محلی را صادر و پرونده را برای حل اختلاف بدیوان عالی تمیز فرستاده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی